

تحلیل و بررسی رویکرد طبرسی در تفسیر آیات امامت

علی هابطی نژاد^۱

چکیده

امامت از مهم‌ترین مسائل چندوجهی در کلام اسلامی است. مسئله اصلی پژوهش حاضر ارزیابی تفسیر طبرسی از آیات امامت است که با مقایسه تفسیر او با تفسیر عالمان امامیه همچون سید مرتضی، شیخ مفید، شیخ طوسی و ابوالفتوح رازی انجام پذیرفته است. فرضیه پژوهش تداوم رویکرد شیخ طوسی در تفسیر طبرسی و غلبه لوازم تدوین تفسیری جامع در قرن ششم بر تفسیر آیات امامت بوده و نوآوری پژوهش حاضر در تمرکز بر محور آیات امامت و تفسیر طبرسی است. با استناد به آنچه در پنج محور مورد تحلیل قرار گرفته، می‌توان تفسیر طبرسی از این آیات را متأثر از جایگاه وی در تفسیرنگاری امامیه دانست. پیش از طبرسی، شیخ طوسی کوشید با رویکردی تقریبی، آیات امامت را تفسیر کرده و از مباحث حساسیت برانگیز در تفسیر این آیات، در عین تبیین دیدگاه تفسیری شیعه، اجتناب کند. او توانست روش تفسیری امامیه را در قالب اولین تفسیر جامع شیعه تثبیت کند. طبرسی نیز مسیر آغاز شده به وسیله شیخ را به خوبی تثبیت و ترویج کرد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، امامت، آیات امامت، طبرسی، مجمع البیان.

۱. مقدمه

اعتقاد به امامت منصوص و بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان شاخصه اصلی اعتقاد امامیه و محوری ترین اعتقاد شیعه پس از توحید و نبوت به شمار می رود. عالمان امامیه از دیرباز در تبیین و دفاع از این اعتقاد به ادله مختلف از جمله آیات قرآن کریم پرداخته اند. در قرن چهارم و دوران ابتدایی تدوین منابع امامیه، در تفاسیری همچون تفسیر فرات، تفسیر قمی و تفسیر عیاشی به تفسیر برخی از این آیات با محوریت روایات اشاره شده و در آثار روایی نیز به برخی از این روایات تفسیری پرداخته شده است (برای نمونه بنگرید به: باب «نُكْتُ وَ تُتْفَ مِنْ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ» و چند باب دیگر از کتاب الحجة الكافی: کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۱۲؛ و باب «الاعتقاد فی الظالمین» و باب «الإعتقاد فی العلوّیة» از الاعتقادات صدوق: ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۱۰۲، ۱۱۱). در قرن پنجم با گسترش رویکردهای عقلی و استدلالی در روش کلامی امامیه و به تناسب فضای چندقطبی بغداد، تفسیر این آیات در آثار شیخ مفید و سید مرتضی با تفصیل بیشتر مورد توجه قرار گرفت و البته نقش روایات در تفسیر آیات بسیار کم فروغ شد. شیخ طوسی با تدوین اولین تفسیر جامع امامیه، با رویکرد تعاملی خود در عین دفاع از مبانی قرآنی اندیشه امامت، زمینه طرح دیدگاه تفسیری شیعه در موضوع امامت را فراهم آورد و مکتب تفسیری امامیه بغداد را امتداد بخشید. روش شیخ در تفسیر این آیات نیز نسبت به عالمان امامیه بغداد تحولاتی صورت داد. شیخ مفید و سید مرتضی به رغم بهره بردن از اخبار تاریخی در تطبیق، کمتر به نقل روایات برای تعیین مصداق یا شأن نزول آیه پرداخته اند؛ در حالی که شیخ در موارد متعدد به ذکر روایات معصومین علیهم السلام برای تعیین شأن نزول پرداخته و به نقل روایات تأویلی، هم در امالی خود و هم در تبیان توجه داشته است.

با توجه به این مسیر در تفسیر آیات امامت، مسئله اصلی پژوهش حاضر تمرکز بر تفسیر طبرسی و پاسخ به این سؤالات است: محدوده آیات امامت که مورد تفسیر طبرسی قرار گرفته اند، شامل چه آیاتی است؟ این آیات در چند گونه قابل تحلیل هستند؟ تفسیر

طبرسی از این آیات چه نسبتی با تفسیر دیگر عالمان امامیه دارد؟ نحوه به‌کارگیری و رویکرد طبرسی در استفاده از روایات معصومین علیهم‌السلام چگونه است؟ روایات تأویلی در تفسیر طبرسی چه کارکردی دارد؟ رویکرد تقریبی و توجه به اقوال در تفسیر وی چه جایگاهی دارد؟

برای پاسخ به این سؤالات، با روش تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، تفسیر آیات امامت در **مجمع البیان** و **جوامع الجامع**، دو تفسیر مهم به‌جامانده از طبرسی، مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. اهمیت این پژوهش با توجه به جایگاه ویژه امامت در منظومه اندیشه شیعه آن‌گاه آشکار می‌شود که مشابه آن درباره دیگر عالمان شاخص امامیه نیز انجام شود و با تکمیل اجزای این پازل، استناد قرآنی اعتقاد محوری مذهب امامیه و توجه عالمان شیعه به آن در درازنای تاریخ نشان داده شده و تکامل تفسیر این آیات در سپهر پرفروغ کلام شیعه نمایان شود. صرف‌نظر از گستره وسیع امامت‌پژوهی در آثار عالمان شیعه (بنگرید به: الطهرانی، ۱۴۰۳/۲: ۳۲۰-۳۴۴)، برخی پژوهش‌ها مانند «آیات ولایت در تفسیر فخر رازی» از ایماندوست (۱۳۹۵) و «آیات امامت و ولایت در تفسیر المنار» نوشته ساعدی (۱۳۹۴) بر تحلیل تفسیر آیات ولایت با محوریت یک مفسر یا تفسیر خاص متمرکز شده و برخی مانند «آیه ولایت در تفسیر عامه» از مرتضوی (۱۳۹۰) بر تفسیر یک آیه متمرکز کرده است. افزون بر این، با توجه به جایگاه مهم تفسیر **مجمع البیان** در میان تفاسیر امامیه، پژوهش‌های فراوانی با محوریت این تفسیر ارائه شده؛ اما تاکنون هیچ پژوهشی با تمرکز بر تفسیر طبرسی از آیات امامت و ارزیابی آن انجام نشده است. در این میان، مقاله «تأثیرپذیری مجمع البیان در مباحث کلامی از مفسران و محدثان پیشین با تأکید بر التبیان شیخ طوسی» که از رساله دکتری‌ای با عنوان «تأثیرپذیری شیوه تفسیری مجمع البیان از التبیان» برگرفته شده، به طور کلی به تأثیرپذیری طبرسی در مباحث کلامی **مجمع البیان** پرداخته و در دو محور مقاله به تعدادی معدودی از آیات امامت به اجمال اشاره شده است (اسدی، ۱۳۹۷: ۱۸۵، ۱۸۷).

فرضیه پژوهش حاضر تداوم رویکرد شیخ طوسی در تفسیر این دسته از آیات در تفسیر

طبرسی و غلبه‌ی لوازم تدوین تفسیری جامع در قرن ششم بر تفسیر آیات امامت است.

۲. دسته‌بندی آیات تفسیرشده

فضل بن حسن طبرسی با کنیه‌ی ابوعلی و لقب امین‌الاسلام از فقیهان و مفسران بزرگ امامیه در قرن ششم است. گرچه نام‌های متفاوتی از آثار تفسیری او ارائه شده، بنا بر نظر برخی محققان وی سه تفسیر داشته است: طبرسی نخست تفسیر مجمع البیان را در ده جلد، سپس الکافی الشافی یا همان الوجیز و سرانجام جوامع الجوامع را تألیف کرده است (کریمان، ۱۳۶۱/۱: ۱۶۶؛ گرجی، ۱۴۲۱: ۲۲۴؛ خوبی، بی‌تا: ۱۴/۳۰۴).

تمرکز پژوهش حاضر در بررسی آرای تفسیری شیخ طبرسی بر دو کتاب مجمع البیان و جوامع الجوامع است. با توجه به مطالعات انجام شده در تفسیر طبرسی، آیات مورد توجه طبرسی را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد:

۲-۱. اثبات امامت علی بن ابیطالب علیه السلام

مهم‌ترین مستند قرآنی امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر طبرسی آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده است. طبرسی این آیه را از واضح‌ترین ادله امامت امیرالمؤمنین دانسته است. وی ابتدا از شأن نزول در قالب نقل از حسکانی، ثعلبی، ابوبکر رازی، رمانی و طبری مبنی بر نزول آیه در شأن امیرالمؤمنین و واقعه تصدق انگشتر یاد کرده و آن را قول مجاهد، سدی و مروی از صادقین علیهم السلام دانسته است. در جوامع الجوامع نیز به نقل از ابوذر و ثعلبی اشاره‌ای کوتاه کرده و تفصیل آن را به مجمع البیان ارجاع داده است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/۳۳۷). از نظرویی، آیه در مقام معرفی فردی است که از ولایت بر خلق و مسئولیت قیام برای امور آنان برخوردار بوده و اطاعت او بر همه واجب است. این ولی ابتدا خداوند و نبی او و سپس مؤمنینی هستند که توصیف آن‌ها در آیه آمده است. طبرسی وجه این دلالت را در اثبات این دو گزاره می‌داند: ۱. لفظ «وَلِيَّتِكُمْ» به معنای اولویت در تدبیر و لزوم اطاعت است. ۲. مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» علی علیه السلام است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۷).

آیه دیگر آیه ۵۹ سوره نساء است. تمسک به این آیه بر محور تعیین معنا و مصداق

اولی الامر در آن بوده و استدلال طبرسی را می‌توان به دو شکل صورت بندی کرد: ۱. مطابق روایت امامیه، مصداق اولی الامر امامان شیعه بوده و آیه به اطاعت از آنان فرمان می‌دهد. طبرسی در این شکل، از روایات به عنوان متمم استدلال بهره گرفته است. ۲. فرمان اطاعت در آیه به صورت مطلق است و فقط شامل افرادی می‌شود که از گناه مصون بوده و به اتفاق امت، اهل بیت علیهم‌السلام از این ویژگی برخوردارند (همان، ۳ / ۱۰۰). استدلال وی در جوامع به این آیه مطابق با صورت دوم است (طبرسی، ۱۴۱۲ / ۱: ۲۶۵).

در آیه ۸۳ نساء نیز از اولی الامر یاد شده است. طبرسی بدون اشاره به ارتباط با آیه ۵۹، نخست روایت امام باقر علیه‌السلام را نقل کرده که مصداق اولی الامر امامان معصوم علیهم‌السلام دانسته‌اند، سپس به دو قول اشاره کرده که یکی مصداق آن را امیران جنگی و دیگری اهل علم و فقه معرفی کرده و در ادامه در تفسیر «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ»، روایتی در تطبیق آن بر امیرالمؤمنین آورده است (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۳ / ۱۲۶). از دیگر آیات، آیه سوم مائده است که با واقعه غدیر پیوند دارد. طبرسی در تفسیر آیه یادشده دیدگاه امامیه را در قالب روایتی آورده که مطابق آن، آیه به امامت امیرالمؤمنین مرتبط بوده و بعد از روز غدیر نازل شده است. وی اشاره می‌کند که این قسمت مرتبط با غدیر جمله معترضه‌ای در میان بیان احکام بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۳ / ۲۳۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ / ۱ / ۳۱۲). آیه ۶۷ سوره مائده نیز با واقعه غدیر مرتبط بوده و طبرسی در تفسیر آن بعد از اشاره به اقوال، به نقل خبر عیاشی پرداخته که امر نزول یافته از سوی خداوند را به فرمان انتصاب امیرالمؤمنین به ولایت معنا کرده و خوف نبی را از طعنه‌ها و اتهام‌ها دانسته و بیان می‌کند که روایات در این مورد مشهور است (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۳ / ۳۳۴). طبرسی «اصطفی» در آیه ۳۳ آل عمران را به معنای برگزیدن برای نبوت دانسته که این برگزیدن نسبت به اهل زمانه انبیا بوده است. تمسک به این آیه برای اثبات ولایت اهل بیت صلوات الله علیهم مبتنی بر دو مقدمه از کلام طبرسی قابل استفاده است: مقدمه اول، شمول آیه بر اهل بیت نبی اکرم صلوات الله علیهم بوده و مقدمه دوم، اثبات دلالت اصطفی بر ولایت و امامت است (همان، ۱۳۷۲ / ۲ / ۷۳۵).

از دیگر آیات آیه ۱۱۹ سوره توبه معروف به آیه صادقین است. طبرسی از روایت کلبی از ابن عباس و جابر از امام باقر علیه السلام استفاده کرده و در روایت اول، صادقین را به علی علیه السلام و اصحاب او و در روایت دوم به آل محمد تطبیق کرده است (همان، ۵/ ۱۲۲). در جوامع، روایت امام باقر علیه السلام مورد اشاره قرار گرفته است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲/ ۹۱)؛ با این حال استدلال به این آیه برای اثبات حق امامت در کلام طبرسی به محکمی بیان نشده است. وی نخست معنای «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» را بودن بر مذهب افرادی که در گفتار و رفتار صادق اند معنا کرده، سپس اقوالی در معنای صادقین نقل کرده که در ضمن قول اول، به دو روایت یادشده پرداخته و چهار قول دیگر را بدون ارزیابی نقل کرده است. طبرسی در تفسیر آیه هفتم سوره رعد «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» نیز پس از بیان چهار قول به دو روایت اشاره کرده که در آن‌ها از امیرالمؤمنین نام برده شده است. گرچه عبارات روایات به خوبی دلالت بر مقام امامت دارد، طبرسی به صرف نقل اکتفا کرده و اقوال بیان شده را نقد نکرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/ ۴۲۸). در آیه ۴۴ سوره اعراف از مؤذنی نام برده شده که در میان اصحاب جنت و نار، خواستار لعنت خداوند بر ظالمین است. طبرسی در تفسیر مراد از مؤذن، ابتدا به دیدگاهی اشاره می‌کند که طبق آن، مؤذن «خازن التار» دانسته شده، سپس به روایت تفسیر قمی از امام رضا علیه السلام (بنگرید به: قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۳۱) پرداخته که مؤذن را امیرالمؤمنین می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۶۵۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/ ۴۳۸). وی در تفسیر «جَنبِ اللَّهِ» از آیه ۵۶ سوره زمر، به پنج قول اشاره کرده و روایتی به نقل از عیاشی آورده است: «عن أبي جعفر أنه قال نحن جنب الله» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/ ۷۸۷؛ قمی، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۵۱؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۳۶۶). تفسیر آیه با تمسک به روایت می‌تواند اثبات‌کننده لزوم تبعیت از اهل بیت علیهم السلام و دلیل بر امامت ایشان باشد. وی در تفسیر «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف / ۱۸۱) از روایت صادقین یاد می‌کند که خود را مصداق این قوم هادی معرفی کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۷۷۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/ ۴۸۵). با این تطبیق، اهل بیت علیهم السلام مصداق امت هادی بوده و ضرورت اطاعت از آنان واضح است. طبرسی در تفسیر آیات ۲۴ و ۲۵ سوره انفال پس از تبیین فقرات آیه و اقوال،

به دوروایت نبوی اشاره کرده که برجایگاه امامت امیرالمؤمنین پس از ایشان دلالت می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۸۲۲)

۲-۲. اثبات فضیلت علی بن ابیطالب علیه السلام

استناد به افضلیت، یکی از مسیرهای استدلال بر امامت است که در تفسیر آیات امامت به وسیله بزرگان مکتب کلامی امامیه بغداد مورد استفاده قرار گرفته است (بنگرید به: طوسی، ۱۳۷۵: ۳۷؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ۲ / ۲۰۹) در نتیجه این‌گونه استناد، هر دلیلی که بر افضل بودن شخصی دلالت داشته باشد، می‌تواند دلیل بر امامت او نیز باشد؛ در واقع بین امامت و افضلیت ملازمه وجود دارد (طوسی، ۱۳۸۲: ۳ / ۵).

گرچه در تفسیر طبرسی به این ملازمه تصریح نشده، وی نیز به این دسته از آیات به عنوان سند اثبات فضیلت امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام توجه کرده است. یکی از آیات برای اثبات فضیلت امیرالمؤمنین آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله است. طبرسی در بیان نزول این آیه به واقعه مباهله و حضور نبی اکرم صلی الله علیه و آله به همراه امیرالمؤمنین، حسنین و فاطمه علیها السلام پرداخته، سپس بیان می‌کند که به اجماع مفسران، مراد از «أبناءنا» حسنین و مراد از «نساءنا» حضرت فاطمه علیها السلام بوده که نشان از فضیلت وی بر همه زنان است. همچنین مراد از «أنفسنا» امیرالمؤمنین است؛ چراکه داعی نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده و مدعو نمی‌تواند همان داعی باشد. مدعو نیز منحصر در امیرالمؤمنین است؛ زیرا هیچ‌کس مدعی ورود غیر از این چهار نفر در مباهله نشده و این دلالت بر غایت فضل برای آنان دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۷۶۴).

از دیگر آیات آیه تطهیر است (احزاب / ۳۳). طبرسی مراد از بیت در این آیه را بیت نبوت و رسالت دانسته و بعد از بیان چند قول درباره مراد از بیت، به اتفاق امت به این نکته اشاره می‌کند که مراد از اهل بیت، اهل بیت نبی است. وی از ابوسعید خدری، انس بن مالک، عایشه و ام سلمه قول بر اختصاص آیه به پنج تن را بیان می‌کند (همچنین بنگرید به: طبرسی، ۱۴۱۲: ۳ / ۳۱۴). او سپس استدلال شیعه بر اختصاص آیه به خمسة

آل عبا را بیان می‌کند که مبتنی بر دلالت «إِنَّمَا» بر انحصار بوده و در نتیجه آن، اراده خداوند بر اذهاب رجس نه همان اراده عمومی بر ترک گناهان (اراده تشریعی)، بلکه امری متفاوت و مختص به این پنج نفر است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۶۰). طبرسی همچنین به اشکال سیاق آیه پرداخته (نزول صدر و ذیل آیه دربارهٔ ازواج نبی) و پاسخ داده که این اشکال برای آشنایان با سبک فصیحان پذیرفته نیست و تغییر خطاب در بین متون ادبی، مانند اشعار عرب و همچنین در قرآن فراوان وجود دارد (همان).

طبرسی دربارهٔ عبارت «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» از آیه ۴۳ رعد سه قول را بیان کرده است. قول سوم از ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام است که مراد آیه را امیرالمؤمنین و ائمه هدی می‌داند. وی مواردی دیگری نیز در تأیید این مضمون نقل کرده است (همان، ۶ / ۴۲۶).

آیه ۱۰۰ سوره توبه از سابقون در اسلام سخن گفته و طبرسی آن را دارای دلالت بر فضل سابقون بر دیگران می‌داند. وی روایتی از حسکانی آورده که سابقون را ده نفر از قریش دانسته که اولین آنان امیرالمؤمنین بوده است (همان، ۵ / ۹۸-۹۹). سبق در ایمان به عنوان یک فضیلت دانسته شده و اگرچه چگونگی دلالت سبقت بر فضیلت به وسیله طبرسی تبیین نشده، مطابق فرهنگ عمومی در فهم نوعی اولویت و اختصاص فضیلت برای فرد سابق شکی نیست (خطیب، ۱۳۹۰: ۹۶). آیه ۵۴ سوره مائده نیز از صفات قومی سخن گفته که اثبات‌کننده فضیلت آنان است. طبرسی در تعیین این افراد پس از اشاره به برخی اقوال، به دیدگاه تطبیق آیه به امیرالمؤمنین و اصحابش در جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین پرداخته و آن را مروی از ابی جعفر و ابی عبدالله دانسته و چند مؤید ذکر کرده است. وی سرانجام به این قول اشاره کرده که آیه یادشده تا قیامت هر فردی را شامل می‌شود که جامع اوصاف مطرح در آن باشد و سپس کلام قمی را آورده که آیه را درباره مهدی و اصحابش می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۲). طبرسی در تفسیر «ذوی القربی» در آیه ۱۷۷ بقره، مراد از ذوی القربی را اقربای فرد معطی دانسته است. وی این احتمال را مطرح کرده که مراد، اقربای نبی است که در آیه ۲۳ شوری نیز از آن یاد شده و آن را مروی از

صادقین دانسته است (همان، ۱ / ۴۷۷). طبرسی در تفسیر آیه ۲۳ شوری در تبیین مراد از «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» به سه قول اشاره کرده که قول سوم از علی بن الحسین علیه السلام، سعید بن جبیر، عمرو بن شعیب و عده‌ای دیگر و مروی از صادقین است و مطابق آن، مودت عترت پیامبر صلی الله علیه و آله مورد نظر است (همان، ۹ / ۴۴).

وی در تبیین شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» به پنج قول اشاره کرده که در قول اول از ابن عباس، آیه مربوط به امیرالمؤمنین و خروج نبی اکرم صلی الله علیه و آله از مکه و خوابیدن امیرالمؤمنین در بستر حضرت دانسته شده است (همان، ۲ / ۵۳۵). وی آیه ۲۷۴ بقره را درباره امیرالمؤمنین می‌داند که حکم آن در مورد هر فردی که مال خود را در راه خدا انفاق کند، جاری خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۶۷؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۷۱-۷۳). طبرسی به دلالت آیات نخستین سوره انسان بر فضیلت اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۱۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴ / ۴۰۹). وی به پنج قول در آیه ۹۷ سوره مریم اشاره کرده که قول اول اختصاص آیه به امیرالمؤمنین است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۸۲۳). همچنین در تبیین شأن نزول آیه ۹ حشر به چند قول اشاره کرده است. طبق آخرین این قول‌های یادشده، نزول آیه درباره مردی است که به درخواست نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرد گرسنه‌ای را مهمان می‌کند که مطابق روایات، امیرالمؤمنین و فاطمه علیهما السلام هستند (همان، ۹ / ۳۹۱). وی در تعیین مراد از «صالح المؤمنین» در آیه ۴ سوره تحریم، صالح المؤمنین را امیرالمؤمنین دانسته (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۴۷۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴ / ۳۱۸) و در تفسیر آیه ۸ سوره بینه نیز دو روایت از حسانانی نقل کرده که بر فضل امیرالمؤمنین دلالت می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۷۹۵).

۳. تحلیل و ارزیابی تفسیر آیات امامت

فرضیه پژوهش حاضر تداوم سبک تفسیری شیخ طوسی در تفسیر آیات امامت به وسیله طبرسی است. مراد از این سبک تفسیری، تفاوت رویکرد طوسی با مفسران امامیه پیش از خود، یعنی شیخ مفید و سید مرتضی در مواجهه با آیات امامت است که در مقدمه

به آن اشاره ای کوتاه شد. برای دستیابی به تحلیلی درباره تفسیر طبرسی از آیات امامت و ارزیابی فرضیه اولیه پژوهش، باید تفسیر این آیات نزد طبرسی را در ضمن پنج محور ذیل و مقایسه آن با تفسیر طوسی، شیخ مفید و سید مرتضی بررسی کرد.

۳-۱. گستره آیات تفسیر شده

گستره این آیات نزد طبرسی به دو دسته (آیات با دلالت مستقیم و آیات با واسطه فضیلت) محدود شده است. طبرسی در دسته اول از آیات ۵۹ نساء، ۳، ۵۵، ۵۶ و ۶۷ مائده، ۳۳ آل عمران، ۱۱۹ توبه، ۷ رعد، ۴۴ و ۱۸۱ اعراف و ۲۴ و ۲۵ سوره انفال و در دسته دوم از آیات مباحله، تطهیر، ۴۳ رعد، ۱۰۰ توبه، ۱۷۷، ۲۰۷ و ۲۷۴ بقره، ۲۳ شوری، آیات نخستین سوره انسان، ۹۷ مریم، ۹ حشر، ۴ تحریم و ۸ بینه برای اثبات فضیلت استفاده کرده است.

تحلیل و ارزیابی: مقایسه تفسیر طبرسی با عالمان امامی پیش از وی یعنی شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی و مفسر هم عصرش، ابوالفتوح، در دو محور پیش گفته که در جدول زیر آمده است، زمینه تحلیل را فراهم می کند:

جدول ۱	شیخ مفید	سید مرتضی	شیخ طوسی	طبرسی	ابوالفتوح رازی
دلالیت بر حق امامت	۵۹ نساء ۵۵ مائده ۶۷ مائده	۵۵ مائده ۱۲۴ بقره ۱۴۲ اعراف	۵۹ نساء ۵۵ مائده ۶۷ مائده	۵۹ نساء ۳ مائده ۵۵ و ۵۶ مائده ۶۷ مائده	۵۹ نساء ۸۳ نساء ۳ مائده ۵۵ مائده
	۱۱۹ توبه ۶ احزاب ۲۹-۳۶ طه			۶۷ مائده ۱۱۹ توبه ۳۳ آل عمران ۷ رعد	۶۷ مائده ۱۲۴ بقره ۱۱۹ توبه ۳۲، ۳۳ و ۱۰۳ آل عمران ۷ رعد ۱۸۱ اعراف

۶۱ آل عمران	۶۱ آل عمران	۶۱ آل عمران	۶۱ آل عمران	۶۱ آل عمران	دلالت بر
۳۳ احزاب	۳۳ احزاب	۳۳ احزاب	۳۳ احزاب	۳۳ احزاب	فضیلت
۲۷۴ و ۲۰۷، ۳۷	۴۳ رعد	۴ تحریم	۴ تحریم	۲۰۷ بقره	
بقره	۱۰۰ توبه	۱۹ توبه		۳۵ یونس	
۷ آل عمران	۵۴ مائده	۵-۱۰ انسان		۹ زمر	
۵۴ مائده	۱۷۷، ۲۰۷ و	۳۳ آل عمران		۳۳ و ۲۴۷	
۱۹، ۱۰۰ شوری	۲۷۴ بقره	۴۳ رعد		بقره	
۲۳ شوری	۲۳ شوری				
۱۰ واقعه	۹۷ مریم				
۱۷ هود	۹ حشر				
۱۲ مجادله	۴ تحریم				
۴ تحریم	۸ بینه				
۱۲ حاقه	آیات سورۀ				
آیات نخستین سورۀ	انسان				
انسان					

باید توجه داشت که از شیخ مفید و سید مرتضی تفسیر مستقل قرآن به جا نمانده و آنچه به عنوان تفسیر آیات امامت مورد مطالعه قرار گرفته از آثار کلامی آنان استفاده شده است. شیخ مفید و سید مرتضی گرچه از نظر کلامی در زمان خود نمود بیشتری داشته‌اند؛ اما از گستره محدودتری از آیات برای اثبات امامت بهره برده‌اند. شیخ طوسی نیز که اولین تفسیر اجتهادی امامیه را تألیف کرده، در محور اول همانند استادانش بوده و در محور دوم، دامنه آیات را کمی گسترده است. اما طبرسی این دامنه را در هر دو محور به شکل معناداری گسترده‌تر کرده است. البته باید توجه داشت که افزون بردن محور جدول شماره ۱، سه محور دیگر یعنی نقد ادله قرآنی خلافت خلفا، نقد نظریه عصمت صحابه و نقد حجیت اجماع امت که در جدول شماره ۲ آمده در تفسیر این آیات نزد شیخ مفید، سید مرتضی و

شیخ طوسی دیده می‌شود که در تفسیر طبرسی و ابوالفتوح مورد توجه نبوده است:

جدول ۲	شیخ مفید	سید مرتضی	شیخ طوسی
نقد ادله قرآنی خلافت خلفا	۵۴ مائده ۴۰ توبه ۲۲ و ۵۵ نور ۳۳-۳۵ زمر ۱۵-۱۶ فتح ۷-۵ لیل	۵۴ مائده ۴۰، ۱۰۰ و ۱۱۷ توبه ۲۲ و ۵۵ نور ۳۳-۳۵ زمر ۱۱-۱۶، ۱۸ و ۲۹ فتح ۷-۵ لیل ۱۵۵ آل عمران ۸-۱۰ حشر ۱۰ حدید	۵۵ نور ۴۰ توبه ۱۶-۲۰ فتح ۱۰ حدید
نقد نظریه عصمت صحابه	۱۸ و ۲۹ فتح ۱۰۰ توبه ۱۰ حدید و ...		
نقد حجیت اجماع امت		۵۹ و ۱۱۵ نساء ۱۴۳ بقره ۱۱۰ آل عمران ۱۵ لقمان ۱۸۱ اعراف	

مشابهت گستره آیات نزد طبرسی و ابوالفتوح و همچنین نپرداختن آن دو به سه محور جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که نقد ادله عامه کمتر مورد توجه مفسران امامیه قرن ششم بوده و هدف اصلی آنان گسترش ادله اثباتی برای حق امامت اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. سه محور یادشده که در تفسیر قرن پنجم امامیه مورد توجه بوده، همراه با نقد مبانی قرآنی عامه در اثبات حق خلافت خلفا، به دلالت التزامی حق امامت اهل بیت علیهم‌السلام را ثابت

می کرده است. این می تواند حاصل ارتباط بیشتر عالمان این عصر با عالمان اهل سنت و متأثر از محیط چندقطبی بغداد تحلیل شود؛ امری که در مفسران قرن ششم کم رنگ تر بوده است. نپرداختن شیخ طوسی به محور دوم و سوم جدول شماره ۲ و کاهش موارد محور اول نسبت به شیخ مفید و سید مرتضی این تحلیل را تأیید می کند.

۳-۲. جایگاه روایات در تفسیر آیات امامت

روایات مورد استفاده طبرسی در تفسیر آیات امامت به سه دسته تقسیم می شود:

- دسته ای از روایات در تعیین سبب یا شأن نزول ذیل عنوان «النزول» آمده که در محور بعد از آن سخن گفته خواهد شد. ۲. دسته ای از روایاتی که بخشی از آیه را تفسیر کرده و یا مصداق آن را در سطح ظاهر بیان کرده است. مراد از ظاهر، معنایی از آیات است که شخص آگاه از زبان عربی و شیوه های عقلایی بتواند از آیه دریابد (نجارزادگان، ۱۳۹۱: ۶)
- دسته سوم روایاتی است که به تأویل آیه یا معنای باطنی آن می پردازد. منظور از بطون، معنای پوشیده و مبطن در آیات است که اگرچه مراد خداوند بوده، به صرف دانستن عربی و شیوه های رایج فهم متون نمی توان به آن دست یافت (همان، ۹). دسته دوم حجم اصلی استفاده طبرسی از روایات را شامل شده و در بیشتر موارد در مجمع البیان به چشم می خورد؛ به عنوان نمونه طبرسی در تبیین مراد از «الذین آمنوا» در آیه ۵۵ مائده به روایت نقل شده در شأن نزول آیه تمسک بسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۷). وی در آیه ۵۹ سوره نساء بعد از ذکر دو قول، دیدگاه صحیح را در قالب روایت اصحاب آورده است: «أما أصحابنا فإنهم رَوَوْا عن الباقر والصادق (عليهما السلام) أن أولى الأمرهم الأئمة» (همان، ۳ / ۱۰۰).
- طبرسی در آیه ۸۳ نساء نیز با استناد به روایت امام باقر (عليه السلام) مصداق اولی الامر را ائمه دانسته (همان، ۳ / ۱۲۶) و همچنین در آیه ۳ سوره مائده، دیدگاه امامیه را در قالب روایت آورده است: «والمروى عن الإمامين أبي جعفر وأبي عبد الله (عليهما السلام) أنه إنما أنزل بعد أن نصب النبي ﷺ علياً (عليه السلام) ...» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۲۴۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۱۲).

طبرسی در آیه ۶۷ مائده دو مورد از اقوال مطرح شده را یاد کرده و اگرچه به صراحت این دو

قول را نفی نکرده، نقل روایات بعدی نشان می‌دهد که آیه به نصب امیرالمؤمنین به امامت مربوط است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۴۴). وی برای اثبات شمول آیه ۳۳ آل عمران بر اهل بیت علیهم‌السلام، بعد از نقل اقوالی درباره «وَأَلِ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ عِمْرَانَ» چنین می‌آورد: «وفی قراءه أهل البيت و آل محمد علی العالمین و قالوا أيضاً أن آل إبراهیم هم آل محمد الذین هم أهله» (همان، ۲ / ۷۳۵). در این عبارت، «آل محمد» داخل در موضوع آیه دانسته شده که استناد این مطلب به قرائت اهل بیت است. گرچه طبرسی در موارد متعدد تمسک به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، به صراحت از معصوم نام برده یا با عبارت «والمروی...» یاد کرده، در اینجا به صراحت بیان نکرده است. او در موارد دیگری نیز از عبارت «قراءة أهل البيت» بهره برده است (همان، ۴ / ۷۹۶، ۵ / ۱۲۱، ۷ / ۲۸۲). با این توضیح و با توجه به وجود برخی روایات (کوفی، ۱۴۱۰: ۷۸؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۰) می‌توان مستند این توسعه را روایات دانست. در موارد دیگر تفسیری که در شماره ۲ آمد، می‌توان مصادیق دیگری از کاربست روایات را مشاهده کرد. از روایات دسته سوم نیز برخی موارد معدود در تفسیر طبرسی مشاهده می‌شود؛ برای نمونه طبرسی در تفسیر آیه ۱۱۹ توبه از روایت ابن عباس و امام باقر علیه‌السلام استفاده کرده که در اولین روایت، صادقین به علی علیه‌السلام و اصحاب او و در روایت دوم به آل محمد علیهم‌السلام تأویل شده (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۲۲) و یا عبارت «جَنبِ اللَّهِ» از آیه ۵۶ سوره زمر به استناد روایتی از امام صادق علیه‌السلام به اهل بیت علیهم‌السلام تأویل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۷۸۷).

تحلیل و ارزیابی: تفسیرهای قمی، فرات و عیاشی بر روایات تمرکز داشته و این روایات در موارد متعدد، آیات را مرتبط با اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر کرده‌اند. شیخ مفید نیز در مواردی به منقولات روایی توجه کرده است (مفید، ۱۴۳۱: ۸، ۵۱). این موضوع در آثار سید مرتضی کم فروغ است؛ در حالی که از نکات قابل توجه در تبیان استفاده گسترده شیخ طوسی از روایات در تعیین مراد آیات امامت است (طوسی، بی‌تا: ۳ / ۲۳۶، ۴۳۵، ۶ / ۲۶۷). طبرسی در برخی موارد برای نقل قولی، به بیان روایت اکتفا کرده و دیدگاه مورد نظر را در قالب همان روایت آورده است. کارکرد روایات در تفسیر طبرسی را باید همچون

کارکرد روایات در تبیان در میان تفاسیر روایی قرن چهارم مانند تفسیرهای قمی، عیاشی و شیخ مفید و سید مرتضی از آیات امامت، در قرن پنجم تحلیل کرد. دربارهٔ دسته سوم روایات، در تفاسیر قرن چهارم به علت اقتضای بر نقل روایات و وجود روایات فراوان با مضمون تأویلی، شاهد تفسیری تأویلی با محوریت روایات هستیم. (برای نمونه بنگرید به: عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۱۰۲، ۱۲۸، ۱۴۷). در تفسیر قرن پنجم و مکتب بغداد نیز تأویل دیده می‌شود؛ اما چیزی که شیخ مفید از آن به «تأویل» تعبیر کرده به لایهٔ تفسیر ظاهری آیات مربوط است و در بیشتر موارد، تطبیق آیه بر مصادیق بوده و این مسئله دربارهٔ سید مرتضی نیز صادق است. مسیر مفسران امامیهٔ بغداد در تفسیر تبیان طوسی نیز ادامه یافت؛ گرچه در امالی طوسی تعدادی روایات تأویلی وجود دارد (برای نمونه بنگرید به: طوسی، ۱۴۱۴: مجلس ۱۱ / حدیث ۳۸، مجلس ۱۰ / حدیث ۵۰، ۵۱، ۵۲، مجلس ۹ / حدیث ۵۴). آنچه در تفسیر طبرسی از این روایات مشاهده می‌شود نیز معدود است و ابوالفتح نیز اگرچه به فراوانی از روایات فریقین بهره برده، از روایات تأویلی، بسیار محدود استفاده کرده است (رازی، ۱۴۰۸: ۸ / ۴۲۸، ۱۸ / ۲۵۴، ۱۹ / ۴۸). این محدودیت استفاده از روایات تأویلی در تفسیر امامیهٔ قرن ششم را می‌توان ناشی از شکل‌گیری تفاسیر جامع امامیه در این دوران و تلاش مفسران برای ارائهٔ تفسیر امامیه در محیط جامعه اسلامی دانست؛ امری که در نتیجهٔ آن، طرح روایات تأویلی و یا ارائهٔ روایات تفسیری بدون توجه به اقوال تفسیری، پذیرش این تفاسیر در جامعهٔ علمی آن دوران را با چالش مواجه می‌کرده است. نکتهٔ دیگر در موضوع روایات، منابع طبرسی در نقل روایات است. وی از کتاب *شواهد التنزیل* حسکانی استفادهٔ فراوانی برده است. افزون بر این، طبرسی در مجمع حدود ۱۰۰ بار از عیاشی و بیش از هفتاد مورد نیز از قمی روایت نقل کرده که نشان از وجود این تفسیر نزد او دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۱۴، ۳ / ۱۳۱، ۵ / ۳۲۵ و ...). در موارد دیگر کمتر دیده می‌شود که طبرسی به منبع روایت یا سند آن اشاره کرده باشد و به ذکر «مروی» بودن روایت از یکی از ائمه یا عباراتی مشابه «هوالمروئ عن أئمتنا» و «الحديث المروئ» اکتفا کرده و در مواردی نیز از تعبیر «تفسیر اهل البيت» استفاده برده است. طبرسی در نقل روایات، به نقادی سند آن توجهی

ندارد. (برای محدود موارد نقد سند بنگرید به: طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۷۸۳).

۳-۳. جایگاه شأن نزول در تفسیر آیات امامت

طبرسی در بیشتر موارد با عنوان «النزول» جداگانه به بررسی شأن نزول پرداخته که از جمله موارد پرننگ در شأن نزول، استناد وی به روایات است. وی در شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره به پنج قول اشاره کرده است. در قول سوم اقوال یادشده که روایتی از امیرالمؤمنین و ابن عباس است، مراد آیه فردی دانسته که در راه امر به معروف و نهی از منکر کشته می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۳۵). طبرسی نزول آیه ۲۷۴ بقره درباره امیرالمؤمنین را از ابن عباس نقل کرده و آن را مروی از صادقین علیهم‌السلام دانسته است (همان، ۶۶۷). وی در تعیین شأن نزول آیه ۵۵ مائده، در کنار روایت حسکانی از ابوذر و روایت دسته‌ای از راویان عامه، نزول آیه در شأن امیرالمؤمنین و واقعه تصدق انگشتر را مروی از صادقین علیهم‌السلام و جمیع علمای اهل بیت دانسته است (همان، ۳/ ۳۲۵).

تحلیل و ارزیابی: طبرسی در بیشتر مرویات مربوط به سبب نزول، از طرق عامه و اقوال آنان بهره برده است. در این میان، از جمله منابع مورد توجه وی کتاب شواهد التنزیل حسکانی است که البته نقل طبرسی از حسکانی به این دسته از روایات محدود نبوده و روایاتی از دسته دوم و سوم نیز وجود دارد. این سبک طبرسی در «النزول» تکمیل روش شیخ طوسی در تبیان است که به ابعاد دیگر آن در ادامه پرداخته خواهد شد و تحلیل لازم خواهد آمد.

۴-۳. رویکرد تقریبی در تفسیر آیات امامت

طبرسی در تفسیر آیه ۴۰ سوره توبه به نقد تطبیق سکینه به خلیفه اول پرداخته و افزوده است: «... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ؛ یعنی علی محمد ... وقال بعضهم يجوز أن تكون الهاء التي في عليه راجعة إلى أبي بكر وهذا بعيد لأن ... وقد ذكرت الشيعة في تخصيص النبي صلى الله عليه وآله في هذه الآية بالسكينة كلاماً رأينا الإضراب عن ذكره أخرى لئلا ينسبنا ناسب إلى شيء» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/ ۴۹). طبرسی در عبارت اخیر به وجود ادله

شیعه براختصاص آیه به نبی اکرم ﷺ اشاره و تصریح می‌کند که به دلیل واکنش‌ها از بیان آن چشم‌پوشی کرده است. وی در تفسیر آیه ۵۴ مائده پس از تبیین فقرات آن، به اقوال مطرح در آیه پرداخته و ابتدا قول تطبیق آن به ابوبکر و اصحاب او را بیان کرده و بعد از نقل چند قول دیگر، بدون نقد صریح قول اول، دیدگاه تطبیق آن به امیرالمؤمنین را آورده و مؤیداتی برای آن ذکر کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳۲۲). طبرسی در موارد دیگر نیز که در جدول شماره ۲ اشاره شد و زمینه طرح نقد تفسیر اهل سنت از برخی آیات فراهم بوده، به این نوع مباحث اشاره‌ای نمی‌کند.

تحلیل و بررسی: طبرسی در تفسیر خود فراوان از روایات اهل سنت و اقوال آنان استفاده کرده است؛ از این رو ذهبی به این نکته اعتراف می‌کند که او برخلاف بسیاری از علمای امامیه در عقیده خود افراطی نیست. گرچه ادعای افراطی بودن عالمان امامیه مردود است، کلام ذهبی نشان می‌دهد که تفسیر طبرسی از نظراعتدال موفق بوده است (ذهبی، ۱۳۹۶: ۲/ ۱۰۶-۱۰۷). با توجه به اهمیت آیات امامت و خلافت در میان شیعه و اهل سنت، بخش مهمی از این قضاوت نتیجه رویکرد تقریبی است. عبارت نقل شده نشان می‌دهد که از سویی تفسیر طبرسی در همه جامعه اسلامی مورد توجه بوده و از سوی دیگر، وی به طرح مباحث اختلافی علاقه‌ای نداشته است. این موضع طبرسی همانند موضع شیخ طوسی و متفاوت با موضع سید مرتضی و شیخ مفید است (بنگرید به: شاکری و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۲-۲۴). شیخ مفید و سید مرتضی در نقادی مبانی و تفاسیر عامه از آیات مرتبط با امامت، با صراحت به میدان آمده‌اند. آنان همچنین در برخی موارد با ادبیاتی گزنده به نقد کلام عامه پرداخته و بخشی از مباحث خود را به نقد ادله قرآنی خلافت خلفا اختصاص داده‌اند (برای نمونه بنگرید به: مفید، ۱۴۳۱ الف: ۱۱۱، ۱۱۸). شیخ طوسی نیز در التبیان به این دسته از آیات توجه کرده؛ اما با ادبیاتی تلطیف شده و تأکید بر رویکرد تقریبی به بخشی از نقدها پرداخته است (برای نمونه بنگرید به: طوسی، بی تا: ۵/ ۲۲۲، ۷/ ۴۵۷، ۹/ ۳۲۷). طبرسی در مجمع در ضمن تفسیر آیاتی که مورد استدلال عامه برای حق خلافت خلفا یا ادعای اثبات فضیلت برای خلیفه اول و دوم

بوده، ورودی به نقادی این مطالب نداشته است. این رویکرد می‌تواند متأثر از تلاش و انگیزه وی برای ارائه تفسیر شیعه به جامعه علمی آن دوران باشد که به حتم نقادی گسترده مقبولات تفسیری عامه در این مسیر مانع بوده است.

۳-۵. میزان توجه به اقوال دیگران و نقد اقوال مخالف

طبرسی در تفسیر خود بیش از ۴۰ مورد از دیدگاه طبری و روایات تفسیر او یاد کرده است. از دیگر مفسران مورد توجه وی می‌توان از بلخی، مغربی، رمانی و ابوعلی جبائی نام برد. وی در *جوامع الجامع* از نظرات زمخشری نیز یاد کرده؛ زیرا تألیف *جوامع* بعد از دسترسی او به کشف بوده است. دیدگاه شیعه در تفسیر طبرسی در موارد متعددی با عنوان «اصحابنا»، «قول الإمامیه» و «مذهب الإمامیه» بیان شده؛ گرچه از فرد فرد عالمان امامیه کمتر یاد شده و در مواردی معدود، از آرای تفسیری یا کلامی و یا روایات منقول شیخ طوسی و شیخ مفید استفاده شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۱۸۹، ۲/۶۸۲، ۶/۷۳۰، ۶/۶۷۵). طبرسی همچون طوسی تفسیر *مجمع* را مانند تفاسیر رایج دوران خود و ناظر به همه دیدگاه‌های تفسیری آن دوران سامان داده؛ از این رو در موارد متعددی، قول امامیه و یا روایات امامیه را بعد از نقل آرای عامه بیان کرده است. او در تفسیر آیه ۳۳ سوره زمر کلام مروی از ائمه هدی را پس از ذکر دیدگاه مجاهد و روایت ضحاک از ابن عباس آورده که از نکات قابل استفاده از متن آن، عدم دلالت «قیل» بر ضعف دیدگاه نقل شده است. گرچه وی در ادامه از دیدگاه مروی از ائمه یاد کرده، اما قول دیگری را اقوای اقوال دانسته است (همان، ۸/۷۷۷). طبرسی در بیشتر موارد، دیدگاه‌های تفسیری را با همین لفظ یاد کرده است. وی در تفسیر آیه ۲۷۴ بقره و فضیلت امیر المؤمنین نیز چنین گفته است: «قال ابن عباس نزلت الآية فی علی عليه السلام... و هو المروءی عن أبي عبد الله عليه السلام وأبی جعفر عليه السلام و روی عن أبي ذر والأوزاعي أنها نزلت فی النفقة... وقيل هي عامة فی كل من أنفق... و علی هذا فإننا نقول الآية نزلت فی علی عليه السلام و حکمها سائر فی كل من فعل مثل فعله» (همان، ۲/۶۶۷). در این مورد نیز طبرسی ابتدا به کلام ابن عباس اشاره کرده، سپس آن را مروی از

صادقین عليهم السلام دانسته است. وی در ادامه قول دیگری ذکر کرده و با بیانی که در جمع آن با قول اول آورده، نشان می‌دهد که به همین قول متمایل است. عبارت اخیر طبرسی در این مورد نشان دهنده وجه جمعی است که می‌تواند در موارد دیگر نیز به کار رود و براساس آن، در مواردی که آیه از لفظ عامی برخوردار باشد و روایت، آن را محدود معنا کند، آیه بروجه عمومیت باقی مانده و دلالت روایت به سبب نزول محدود می‌شود.

تحلیل و بررسی: می‌توان گفت در مواردی که دیدگاه مروی از ائمه اطهار یا عالمان امامیه بدون اظهار نظر نسبت به دیگر اقوال بیان شده، قول مقبول طبرسی نیز، با توجه به امامی بودن وی، همان قول مروی است. در مواردی نیز که از سوی وی تصریحی بر قول صحیح یا قوی و یا اظهار نظری وجود داشته باشد، باید دیدگاه طبرسی را مطابق دلالت کلام او استخراج کرد. همچنین در مواردی که دیدگاه مقبول وی با مروی اهل بیت عليهم السلام متفاوت است، توجیهاتی از جمله نقد سندی به روایت، ارائه جمعی میان قول مقبول و قول مروی، و دلالت برتری قولی بر دیگر اقوال در فرض عدم وجود روایت و موارد مشابه می‌تواند بیان شود. توجه طبرسی به اقوال دیگر در ذیل تفسیر وی از آیات امامت را باید ذیل سبک کالی وی در تفسیر قرآن و در امتداد تبیان شیخ طوسی تحلیل کرد که خصوصیت به تفسیر آیات امامت نداشته و در همه مجمع البیان دیده می‌شود. تفسیر طبری از مهم‌ترین منابع طبرسی است که هم دیدگاه‌های طبری در این تفسیر مورد توجه طبرسی بوده و هم به احتمال قوی منبع اصلی طبرسی در نقل اقوال دیگر بوده است. شیخ طوسی نیز در موارد نقل اقوال مفسران به کلام طبری اشاره کرده و از او نام برده است (برای نمونه بنگرید به: طوسی، بی‌تا: ۳/ ۲۳۶، ۵۵۹) و در مواردی از قول مختار طبری به صورتی ویژه یاد کرده است (همان، ۳/ ۴۳۵، ۵۵۵). جبائی (همان، ۲/ ۷، ۹۵، ۳/ ۲۲۸)، بلخی (همان، ۲/ ۷، ۲۹۱) و زمانی (همان، ۲/ ۷، ۹۷) نیز در تفسیر آیات امامت مورد توجه شیخ بوده‌اند. افزون بر این، شیخ نیز در بیشتر موارد، آرای شیعه در تفسیر آیات امامت را با عنوان «أصحابنا» مورد اشاره قرار داده و رأی خود را جداگانه ارائه نکرده است. همچنین اگرچه طوسی به تفاوت‌ها و یا اختلاف بین عالمان امامیه نیز پرداخته، اقوال و

آرای اهل سنت را مورد نقادی قرار داده است. همانندی این رویکرد بین شیخ طوسی و طبرسی به علت کوشش هر دو برای ارائه تفسیر خود در عرصه علمی دنیای اسلام بوده که دیده شدن آن به طرح اقوال مهم تفسیری و نقادی و تحلیل نیاز داشته است. *روض الجنان* نیز در تفسیر آیات امامت همین مسیر را ادامه داده و به اقوال رایج دوران خود توجه ویژه‌ای نشان داده است (رازی، ۱۴۰۸: ۱۰/۲۴۷، ۱۵/۴۲۰)

۴. ارزیابی فرضیه پژوهش

فرضیه تداوم سبک تفسیری شیخ طوسی در تفسیر آیات امامت در تفسیر طبرسی از آیات امامت با توجه به گستره مشابه آیات تفسیر شده در تفسیر آنان و گسترش آن نسبت به گذشتگان (شماره ۳-۱)، تشابه در نقل بسیار محدود روایات تأویلی مرتبط با آیات امامت (شماره ۳-۲)، رویکرد مشترک و تقریبی این دو در تفسیر آیات امامت (۳-۴) و همچنین توجه فراوان به دیدگاه عامه (۳-۵) فرضیه‌ای قابل قبول به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر می‌توان روند تفسیر آیات امامت را متأثر از تدوین تفسیر جامع به دست شیخ طوسی و تداوم آن به وسیله طبرسی در قرن ششم دانست. گرچه رابطه مستقیمی بین تألیف اثر تفسیری جامع به وسیله یک مفسر با بحث امامت وجود ندارد، اما عامل بسیار مهم اعتقادی به ویژه در قرن ۵ و ۶ و همچنین مهم‌ترین موضوع چالش مذاهب در این دوره، یعنی موضوع امامت به حتم در عرضه نگارش آثار علمی از جمله تفسیر مؤثر بوده است. پیش از طبرسی، شیخ طوسی در محورهایی مشابه با پنج محور بررسی شده کوشید با رویکردی تقریبی به تفسیر آیات امامت پرداخته و از ورود به مباحث حساسیت‌برانگیز در عین تبیین دیدگاه تفسیری شیعه، اجتناب کند. وی همچنین توانست روش تفسیری امامیه در قالب اولین تفسیر جامع شیعه را تثبیت کند. طبرسی نیز در همین مسیر حرکت کرده و مسیر آغاز شده به وسیله شیخ را به خوبی تثبیت و ترویج کرد. وی در مقدمه مجمع به این نکته اشاره کرده که پیش از وی تفسیری جامع از سوی عالمان شیعه ارائه نشده و تنها شیخ طوسی تفسیر تبیین را نوشته که از نظر او از جهاتی دارای نقصان است (طبرسی،

۱۴۲۶: ۷/۱). این کلام نشان‌دهنده انگیزه طبرسی در ارائه تفسیری جامع بوده که به حتم برای به ثمر رسیدن آن، مراعات فضای حاکم بر آثار تفسیری آن دوران جامعه اسلامی لازم بوده است. استانداردهای تفسیرنگاری با کار سترگ طبری و دیگر آثار تفسیری آن دوران شکل یافته بود (بنگرید به: دهقانی فارسانی، «تفسیر طبری»، مرکز اطلاع‌رسانی دائره‌المعارف بزرگ اسلامی) و هرگونه اثر جدیدی در این حوزه، ناگزیر از مراعات آن بوده است. نشان موفقیت طبرسی آن است که این تفسیر بر عامه و خاصه اثر گذاشته (بنگرید به: طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/ مقدمه مصحح) و از مقبولیت برخوردار بوده؛ چنان‌که این مقبولیت تا دوران معاصر نیز ادامه داشته است. شیخ شلتوت تفسیر طبرسی را بی‌همتا دانسته و آزادی در فکر و تقریب میان مذاهب را از امتیازات آن بر شمرده است. شلتوت می‌گوید که نویسندگان آثار علمی خود را به دوروش تدوین می‌کنند؛ گاهی طبق مبانی اعتقادی خود و گاه برای مخاطب عموم و فارغ از مذهب فکری خویش. وی تصریح می‌کند که طبرسی تفسیر مجمع را طبق روش دوم تدوین کرده و از احساسات مذهبی فاصله گرفته است (دوانی، ۱۳۴۲: ۴۸، ۴۹). این نکته به اندازه‌ای بوده است که برخی از امامیه بروی خرده گرفته‌اند که غالب منقولات وی از عامه است و از تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام جز اندکی نقل نکرده است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۶/۱، مقدمه مصحح). آنچه در تفسیر تبیان طوسی رقم خورده، حاصل منازعات کلامی مذاهب اسلامی است که نتیجه شرایط خاص آن روزگار بغداد بوده است (جبرئیلی، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۵). افزون بر این، مکتب کلامی ری که طبرسی به آن تعلق داشته، گرچه از برخی نظرها از مکتب قم متأثر بوده، از نظر رویکرد در تعامل با عامه، به علت مشابهت با محیط بغداد، از مکتب بغداد متأثر بوده (موسوی، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۱) و تفسیر طبرسی از آیات امامت را نیز نباید بدون توجه به این نکته مورد ارزیابی قرار داد. همه این موارد فرضیه پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری

شیخ مفید و سید مرتضی از گستره محدودتری از آیات برای اثبات امامت بهره

برده‌اند. شیخ طوسی در محور دلالت بر امامت همانند استادانش بوده و در محور دلالت بر فرضیت، دامنه آیات را کمی گسترده است. اما طبرسی این دامنه را در هر دو محور گسترده‌تر کرده است.

کارکرد روایات در تفسیر طبرسی از آیات امامت مانند کارکرد روایات در تبیان در میان تفاسیر روایی قرن چهارم مانند: تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، شیخ مفید و سید مرتضی، در قرن پنجم است. آنچه در تفسیر طبرسی از روایات تأویلی مشاهده می‌شود نیز مانند تبیان محدود است.

طبرسی در بیشتر مرویات مربوط به سبب نزول، از طرق عامه و اقوال آنان بهره برده و این سبک او تکمیل روش شیخ طوسی در تبیان است.

طبرسی در تفسیر خود فراوان از روایات اهل سنت و اقوال آنان استفاده کرده که این امر می‌تواند به نتیجه رویکرد تقریبی وی تحلیل شود. این موضع طبرسی مانند موضع شیخ طوسی و متفاوت با موضع سید مرتضی و شیخ مفید است.

براساس شواهد ذکر شده می‌توان رویکرد طبرسی در تفسیر آیات امامت را متأثر از فضای علمی قرن ۵ و ۶ و تدوین تفسیر جامع به دست شیخ طوسی و لوازم این حرکت دانست.

منابع

۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *اعتقادات الإمامیة*، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ق.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ق.
۴. اسدی، لیلا و عبدالمجید طالب‌تاش، «تأثیرپذیری مجمع البیان در مباحث کلامی از مفسران و محدثان پیشین با تأکید بر التبیان شیخ طوسی»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۶۳، ۱۳۹۷ش.
۵. ایماندوست، علی اصغر، *آیات ولایت در تفسیر فخر رازی*، دلیل ما، قم، ۱۳۹۵ش.
۶. جبرئیلی، محمد صفر، *سیر تطور کلام شیعه*، دفتر دوم: *از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی*،

- انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۷. خطیب، عبدالکریم محمود، *علی بن ابی طالب بقیة النبوة و خاتم الخلافة*، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
۸. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، *معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرجال*، مؤسسه الخوئی الإسلامية، بی جا، بی تا.
۹. دوانی، علی، «شلتوت و تفسیر مجمع البیان»، *درس های از مکتب اسلام*، سال پنجم، شماره ۵، ۱۳۴۲ ش.
۱۰. دهقانی فارسانی، یونس، «تفسیر طبری»، در *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، پایگاه اطلاع رسانی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی www.cgie.org، ۱۴۰۱/۱۰/۲۱.
۱۱. ذهبی، محمد حسین، *التفسیر والمفسرون*، مکتبه وهبة، قاهرة، ۱۳۹۶ ق.
۱۲. ساعدی، محمد، *آیات امامت و ولایت در تفسیر المنار*، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۴ ش.
۱۳. شاکری زوردهی، روح الله و دیگران، «تحلیل و بررسی رویکرد شیخ طوسی در تفسیر آیات امامت و ولایت»، *دوفصلنامه پژوهشنامه کلام*، سال نهم، شماره ۱۶، ۱۴۰۱ ش.
۱۴. شریف مرتضی، علی بن حسین، *الشافی فی الإمامة*، تحقیق: عبدالزهراء حسینی، مؤسسه الصادق، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، دارالعلوم، بیروت، ۱۴۲۶ ق.
۱۸. طوسی، ابو جعفر محمد، *الأمالی*، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. طوسی، ابو جعفر محمد، *الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*، نشر کتابخانه، بی جا، ۱۳۷۵ ق.
۲۰. طوسی، ابو جعفر محمد، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۱. طوسی، ابو جعفر محمد، *تلخیص الشافی*، مؤسسه انتشارات المحبین، قم، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، المطبعة العلمية، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. کریمان، حسین، *طبرسی و مجمع البیان*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۱ ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۲۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، مؤسسة الطبع والنشر، تهران، ۱۴۱۰ق.
۲۶. گرجی، ابوالقاسم، *تاریخ فقه و فقها*، مؤسسه سمت، تهران، ۱۴۲۱ق.
۲۸. مرتضوی، سید رضی، «آیه ولایت در تفسیر عامه»، *مجله نیستان ادیان و مذاهب*، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۰ش.
۲۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد*، دارالمفید، قم، ۱۴۳۱ق (ب).
۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإفصاح فی الإمامة*، دارالمفید، قم، ۱۴۳۱ق (الف).
۳۱. موسوی، سید جمال الدین، «مدرسه کلامی ری»، *تقد و نظر*، سال بیستم، شماره اول، ۱۳۹۴ش.
۳۲. نجارزادگان، فتح الله، *بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۱ش.